

یادگیری برای مشاغل

کد موضوعی: ۲۱۰

شماره مسلسل: ۱۳۳۷۸

آذرماه ۱۳۹۲

دفتر: مطالعات اجتماعی

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۴.....	مقدمه
۵.....	فصل اول - معرفی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)
۷.....	فصل دوم - یادگیری برای مشاغل: خلاصه و پیام‌های سیاستگذاری
۲۹.....	نتیجه‌گیری
۲۹.....	منابع و مآخذ



یادگیری برای مشاغل

چکیده

با وجود نقش محوری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در آماده‌سازی جوانان برای کار و توسعه مهارت‌های بزرگسالان، این آموزش‌ها در بسیاری از کشورها به حاشیه رفته‌اند. در برخی موارد هم با وجود توجه به این آموزش‌ها، بین یادگیری و شغل فاصله وجود دارد. برای برون‌رفت از این چالش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) اقدام به ارائه توصیه‌ها و نتایج نشست‌های خود کرده است. این توصیه‌نامه در چند فصل بیان شده است، که عبارتند از:

۱. پیام یادگیری برای مشاغل

نکات مهم در این پیام به قرار زیر است:

در بسیاری از کشورها آموزش و تربیت حرفه‌ای نادیده گرفته شده‌اند.

خیلی از برنامه‌ها نمی‌توانند نیاز بازار کار را برآورده کنند، بنابراین نیاز به بازنگری در برنامه‌ها وجود دارد. این بازنگری اصلاحاتی را ارائه می‌کند تا بر روی جدایی بین یادگیری و مشاغل پلی بنا کند.

بحران‌های اقتصادی سختی‌های جدیدی را به وجود آورده است. این سختی‌ها منجر به ارائه راه‌حل‌های جدید می‌شود.

سرمایه‌گذاری عمومی در آموزش و تربیت حرفه‌ای اولیه می‌تواند بازخوردهای

اقتصادی خوبی را به ارمغان بیاورد.

سن ورود به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشورهای مختلف متفاوت است. در کنار مهارت‌های ضروری شغلی، هنرجویان در آموزش و تربیت حرفه‌ای نیاز به شایستگی‌های وسیع‌تری برای حفظ توسعه حرفه‌ای دارند. برنامه‌های متوسطه حرفه‌ای اغلب نیازمند این هستند که دانش‌آموزان را همانقدر که برای مشاغل آماده می‌کنند برای تحصیل بعدی نیز آماده کنند. مهارت‌های حساب کردن و خواندن و نوشتن، نیازمند سنجش سیستماتیک هستند تا برای کسانی که به آنها نیاز دارند پشتیبانی فراهم کنند.

۲. برآورده کردن نیازهای بازار کار

هر چند برنامه‌های حرفه‌ای باید ترکیبی متوازن بین اولویت‌های دانش‌آموزان و تقاضای کارفرما باشد، اما این توازن به بودجه تأمین شده توسط دولت، دانش‌آموز و کارفرماها بستگی دارد.

۳. انجام راهنمایی حرفه‌ای

هر چقدر تنوع حرفه‌ها زیاد می‌شود، راهنمایی حرفه‌ای، هم مهم‌تر و هم چالشی‌تر می‌شود.

راهنمایی حرفه‌ای در خیلی از کشورهای عضو OECD ضعف‌های جدی دارد. راهنمایی حرفه‌ای نیازمند این است که منسجم، با منابع کافی و غنی، کنشگر، بی‌غرض و واقعی و با پشتیبانی عالی توسط شواهد باشد.



۴. وجود مربیان و معلمان کارآمد

مربیان و معلمان آموزش و تربیت حرفه‌ای نیازمند آشنایی با محل‌های مدرن کار هستند.

در صنعت کسانی که کارآموزان را تحت نظر دارند نیاز به آمادگی برای این وظیفه دارند.

۵. اهمیت یادگیری در محیط کار

همه سیستم‌های آموزش و تربیت حرفه‌ای نیاز به استفاده حداکثری از یادگیری در محیط کار دارند.

کنترل کیفیت فراگیری در محیط کار ضروری است.

گستره‌ای از مشوق‌ها کمک می‌کنند تا تعهد دانش‌آموزان و صنعت به یادگیری در محیط کار پایدار بماند.

۶. استفاده از ابزارهای حمایتی از سیستم آموزش و تربیت حرفه‌ای

سیستم‌های آموزش و تربیت حرفه‌ای باید زمین‌فغان کلیدی و اطلاعات را به کار گرفته تا سیستم را شفاف کنند.

برای درگیر کردن کارفرماها، اتحادیه‌ها و اولویت‌های دانش‌آموزان به آموزش و تربیت حرفه‌ای به مؤسسات قدرتمند نیاز است.

چارچوب‌های صلاحیت‌های حرفه‌ای می‌تواند برای سیستم‌های آموزش و تربیت حرفه‌ای مفید باشد، اما باید با اقدامات دیگر پیوند داشته باشد.

سنجش استاندارد شده برای صلاحیت‌های آموزش و تربیت حرفه‌ای، انسجام

در استانداردها را به دنبال خواهد داشت.

داده‌های بهتر، به‌ویژه در مورد پیامدهای بازار کار آموزش و تربیت حرفه‌ای، حیاتی است.

۷. سیاست‌های پیشنهادی

سیاست‌های پیشنهادی این گزارش عبارت است از:

- ارائه ترکیب صحیحی از مهارت‌ها برای کار،
- اصلاح راهنمایی شغلی جهت توصیه مؤثر برای همه،
- اطمینان از این که مربیان روش‌های آموزشی را با تجارب محیط کار توأم می‌کنند،
- استفاده کامل از یادگیری در محیط کار،
- حمایت از سیستم آموزش و تربیت حرفه‌ای با استفاده از ابزارهایی برای درگیر کردن ذینفعان و به‌کارگیری اطلاعات برای شفافیت نظام.

مقدمه

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) اقدام به ارائه توصیه‌ها و نتایج نشست‌های خود کرده است. در این گزارش ترجمه پیام یادگیری برای مشاغل به‌عنوان یکی از توصیه‌نامه‌های این سازمان ارائه شده است.

در این پیام باید‌ها و نبایدهای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، دستیابی به شغل، رشد تولید، گسترش فضای رقابت، کاهش فاصله بین یادگیری و شغل، مقابله با



فشارهای اقتصادی، حمایت از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، توسعه حرفه‌ای و نیاز به شایستگی‌های وسیع‌تر، مهارت‌های مورد نیاز برای آموزش‌گیرندگان، نقش راهنمایی حرفه‌ای در رشد این آموزش‌ها، یادگیری در محیط، کنترل کیفیت و سنجش استاندارد برای صلاحیت حرفه‌ای تأکید شده است. سیاست‌های پیشنهادی و ابزارهای حمایتی هم در این حوزه مورد توجه قرار گرفته است.

فصل اول - معرفی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)^۱ به تعبیری عمده‌ترین سازمان تصمیم‌گیرنده اقتصادی بین‌المللی است و برخی نیز با توجه به جایگاه و تأثیر این سازمان بر کم‌وکیف اقتصاد جهان، آن را تصمیم‌گیرنده نهایی امور اقتصادی جهان تلقی می‌کنند.

این سازمان در ۱۴ دسامبر سال ۱۹۶۰ با امضای یک کنوانسیون ۲۱ ماده‌ای توسط کشورهای اتریش، بلژیک، کانادا، دانمارک، فرانسه، آلمان، یونان، ایسلند، ایرلند، لوکزامبورگ، هلند، نروژ، پرتغال، اسپانیا، سوئد، سوئیس، ترکیه، انگلیس و آمریکا تأسیس شد.

بعداً با پیوستن کشورهای ایتالیا، ژاپن، نیوزیلند، فنلاند، استرالیا، جمهوری چک، مجارستان، مکزیک، کره جنوبی، لهستان و جمهوری اسلواکی تعداد اعضای این سازمان به ۳۰ کشور افزایش یافت. البته عضویت در آن به کشورهای یک نقطه

1. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

خاص از جهان محدود نیست و امروزه کشورهایی از آمریکای لاتین، اروپای شرقی و آسیای جنوب شرقی نیز عضو این سازمان هستند.

OECD مجمعی برای کشورهای همفکر به‌منظور بحث و بررسی، ایجاد و پالایش سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی آنها فراهم آورده است که با ارزیابی تجارب مشترک اعضا و جستجوی راه‌حل برای مشکلات مشترک از طریق هماهنگ کردن سیاست‌های داخلی و بین‌المللی به آنها کمک می‌کند.

توصیه‌های سازمان همکاری اقتصادی و توسعه به اعضا در شکل موافقتنامه‌های الزام‌آور حقوقی صورت می‌گیرد.

اهداف سازمان عبارتند از:

- هماهنگی سیاست‌های اقتصادی کشورها به‌منظور تحقق بخشیدن به توسعه اقتصادی،

- اشتغال کامل و ارتقای سطح زندگی در کشورهای عضو به‌همراه ثبات اقتصاد داخلی و خارجی،

- کمک به توسعه اقتصادی کشورهای عضو جهت دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و اشتغال و بالا رفتن سطح استانداردهای زندگی،

- حفظ ثبات مالی و برقراری تجارت آزاد کالا، خدمات و سرمایه،

- کمک به کشورهای در حال رشد،

- انجام اقدامات اختصاصی درباره آموزش، علوم و تکنولوژی، نیروی کار،

کشاورزی و....



فصل دوم - یادگیری برای مشاغل: خلاصه و پیام‌های سیاستگذاری

پیام یادگیری برای مشاغل

آموزش و تربیت حرفه‌ای نادیده گرفته شده‌اند

۱. آموزش و تربیت حرفه‌ای (VET)^۱ می‌تواند نقش محوری را در آماده‌سازی جوانان برای کار، توسعه مهارت‌های بزرگسالان و پاسخ به نیاز اقتصادی بازار کار، ایفا کند. علیرغم این نقش، آموزش و تربیت حرفه‌ای به‌صورت ناهنجاری در بحث‌های سیاستگذاری به حاشیه رفته و نادیده گرفته شده است و اغلب زیر سایه تأکید روزافزون بر آموزش‌های نظری و نقش مدارس در آماده‌سازی دانش‌آموزان برای آموزش‌های دانشگاهی قرار گرفته است و در دید دانش‌آموزان و عوام جامعه در جایگاه پایین قرار دارد. در نتیجه، در تحلیل‌های مربوط به سیاستگذاری مقایسه‌ای به‌صورت توسعه نیافته باقی می‌ماند و در این زمینه داده‌های بسیار محدودی وجود دارد، مخصوصاً داده‌هایی که با اطمینان بتوان از آنها برای مقایسه کشورها استفاده کرد.

برنامه‌های با کیفیت حرفه‌ای فضای رقابت را زیاد می‌کند، اما خیلی از برنامه‌ها نمی‌توانند نیاز بازار کار را برآورده کنند.

۲. به‌صورت روزافزون، کشورها به این موضوع پی می‌برند که تعلیم و تربیت حرفه‌ای اولیه مناسب، به ایجاد فضای رقابتی اقتصادی کمک بزرگی می‌کند. خیلی از شغل‌های بدون مهارت که در کشورهای OECD وجود داشتند و متعلق

به نسل قبل بودند، یا به دلیل اینکه تکنولوژی جایگزین آنها شده یا اینکه کشورهای OECD توانایی رقابت با کشورهای کمتر توسعه یافته در زمینه هزینه‌های نیروی کار را ندارند، به سرعت در حال از بین رفتن هستند. بنابراین کشورهای OECD باید در کیفیت و سرویس‌هایی که ارائه می‌کنند به رقابت بپردازند. این امر نیازمند نیروی کاری ورزیده، با طیف وسیعی از مهارت در سطح میانی شامل مهارت‌های حرفه‌ای و فنی در کنار آن دسته از مهارت‌های سطح بالای مرتبط با آموزش‌های دانشگاهی می‌باشد. این دسته از مهارت‌ها اغلب توسط برنامه‌های حرفه‌ای قابل ارائه نیستند.

در همان حال که سیستم‌های آموزش و تربیت حرفه‌ای با چالش‌های بزرگی روبرو هستند، برنامه‌های حرفه‌ای برای جوانان که معمولاً در مؤسسات آموزشی جریان دارد، توجه به پویایی خودشان دارند و جدا از دنیای اقتصادهای در حال تغییر سریع به کار خود ادامه می‌دهند. شناخت این چالش‌ها و اهمیت‌شان، مستقیماً منتهی به مطالعه جاری OECD روی یادگیری برای مشاغل شد (جدول ذیل).

یادگیری برای مشاغل: مطالعه OECD

هدف این بازنگری پل زدن در فاصله و خلأ بین یادگیری و مشاغل است، که چگونه آموزش‌های حرفه‌ای اولیه را برای جوانان مهیا کنیم تا پاسخ بهتری به نیازهای بازار کار بدهند. این مطالعه، به آموزش و تربیت حرفه‌ای اولیه در مدارس، کالج‌ها، محل‌های کاری و دیگر انستیتوها نگاه می‌کند. بنابراین پیام‌های سیاستگذاری را برای تمام کشورهای OECD به موازات صلاحیت‌های قابل لمس در مورد اصلاحات سیاستگذاری در کشورهای مورد مطالعه پیشنهاد می‌کند.

یک کار تحلیلی از تمام کشورهای OECD به‌عنوان گواه تهیه شده است، شامل یک



پرسشنامه در مورد سیستم‌های آموزش و تربیت حرفه‌ای، مرور ادبیات مطالعات قبلی OECD و ادبیات آکادمیک در مورد موضوعاتی مثل هزینه و فایده، راهنمایی حرفه‌ای و آموزش و تربیت حرفه‌ای در هنگام بحران اقتصادی. نتایج کارهای تحلیلی و بازنگری کشورها با هم به این گزارش تطبیقی وارد شده‌اند، که نسخه اولیه آن روی وبسایت OECD در اکتبر ۲۰۰۹ انتشار یافت.

یک کار جداگانه OECD روی موضوع نوآوری سیستمیک در آموزش و تربیت حرفه‌ای با عنوان OECD (2009b) انتشار یافت، در حالی که بازنگری مرتبط با «مشاغل برای جوانان» در پایان سال ۲۰۱۰ انتشار خواهد یافت.

مهارت‌های ورای مدارس، خطمشی بازنگری آموزش و تربیت حرفه‌ای بعد از دوران متوسطه، در پایان سال ۲۰۱۰ توسط OECD به مرحله اجرا خواهد رسید. به وبگاه www.oecd.org/edu/learningforjobs مراجعه کنید.

خطمشی بازنگری کشورها در استرالیا، اتریش، بلژیک، جمهوری چک، آلمان، مجارستان، ایرلند، کره، مکزیک، نروژ، سوئد، سوئیس، بریتانیا (انگلیس و ولز) و آمریکا (کارولینای جنوبی و تگزاس) مابین اواخر ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ صورت یافته است. مطالعات ویژه‌ای که در شیلی و جمهوری خلق چین، کانادا، دانمارک، فنلاند و هلند صورت گرفته‌اند نیز در این بازنگری به صورت اقتصادی مشارکت داشته‌اند.

این بازنگری اصلاحاتی را ارائه می‌کند تا بر روی جدایی بین یادگیری و مشاغل پلی بنا کند.

۳. این بازنگری سلسله‌ای از طرح‌های مرتبط فراهم می‌کند، تا روی اقیانوس مابین فراگیری و شغل و همچنین برای برقراری ارتباط بین آموزش و تربیت حرفه‌ای اولیه برای جوانان و نیازهای اقتصادی پلی بنا کند و به صورت خلاصه، بدین معنا که اطمینان‌سازی کند یا حصول اطمینان نماید از این که:

- برنامه‌های حرفه‌ای بازتاب‌دهنده نیازهای به سرعت در حال تغییر کارفرمایان و به همان اندازه تمایلات دانش‌آموزان است.

- ساختن بنیانی از مهارت‌های اولیه و قابل انتقال در شایستگی‌های حرفه‌ای، تا جهانی از مشاغل قابل توسعه و روان به‌جای یک شغل برای یک عمر را بازتاب دهد.

- نوسازی حرفه راهنمایی شغلی، برای ارائه یک راهنمایی فعال به یادگیرندگان جوان، هم برای این که از بازار کار به‌خوبی آگاه باشند و هم به‌خوبی درباره مسیرهای توسعه حرفه‌ای و پیشرفت تحصیلی آگاهی بدهند.

- اطمینان از این که معلمان و کارآموزان در برنامه‌های حرفه‌ای تجربیات به‌روزی از صنعت دارند.

- استفاده حداکثری از محیط کار به‌عنوان محیط یادگیری کیفی.

- وجود داده‌های بهتر، به‌ویژه برای نشان دادن این که یادگیری کجا به مشاغل خوب منتج شده، و کجا نشده است و هم این که انسجام بیشتر در ارزشیابی و انسجام در چارچوب‌های صلاحیت حرفه‌ای جهت بهبود شفافیت نظام (آیا به این انسجام رسیده یا نه).

بالا تر از همه به معنای همکاری مؤثر دولت، کارفرمایان و اتحادیه‌هاست، تا مطمئن شویم که دنیای یادگیری در همه سطوح به دنیای کار متصل است.

بحران‌های اقتصادی سختی‌های جدیدی را به وجود آورده است.

۴. هنگامی که این بازنگری در دست انجام بود بحران جهانی اقتصاد در حال گسترش بود، که باعث شد موضوع مورد بررسی گاهی زیر ذره‌بینی جدید و متفاوت قرار بگیرد. کارآموزان جدید ممکن است با کارفرمایانی روبرو شوند که به‌شدت تحت



فشارند و برای بقا کمتر تمایل به پیشنهاد کارآموزی در محیط کار دارند. در مشاغل اندکی فراگیرندگان تمایل به ماندن یا گذراندن آموزش حرفه‌ای تمام‌وقت دارند. همزمان، فشار هزینه‌های عمومی که به‌وسیله این بحران‌ها شدیدتر شده سازگاری با انتظار افزایش یافته کارفرمایان را سخت‌تر می‌کند.

همچنین سیستم‌های آموزش و تربیت حرفه‌ای نیاز به این دارند که مهارت‌های لازم را برای آینده تنظیم کنند و نه گذشته؛ این یک خواسته چالشی ویژه و مشخصی است که به شکل دردناکی در اقتصاد در حال «تغییر سریع» بروز می‌کند.

برخی فرصت‌ها با این حال به وجود می‌آیند، برای نمونه گسترش مهارت‌های عملی در صنایعی که تاکنون رها بوده‌اند و مربیان و معلمان به آن صنایع وارد می‌شوند.

مربیان و معلمان از صنعت خارج می‌شوند و فرصت پیدا می‌کنند آموزش ببینند و یا این که معلمان فرصت پیدا می‌کنند به این صنایع وارد شوند.

چرا و چگونه دولت باید از تعلیم و تربیت اولیه حرفه‌ای حمایت کند؟

سرمایه‌گذاری عمومی در آموزش و تربیت حرفه‌ای اولیه می‌تواند بازخوردهای

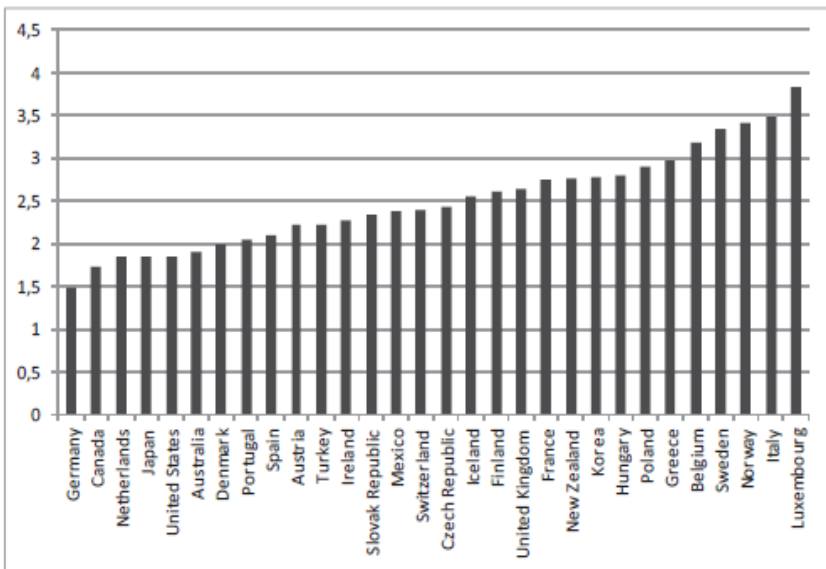
اقتصادی خوبی را به ارمغان بیاورد.

۵. وقتی دولت آموزش‌های پایه‌ای را فراهم می‌کند، خیلی از آموزش‌های خاص شغلی توسط کارفرماها فراهم خواهد شد.

اما دولت دلایل خوبی برای افزایش چنین آماده‌سازی‌هایی با برنامه‌های حرفه‌ای، که توسط عموم پشتیبانی می‌شود، برای جوانان دارد. کارفرماها اگر به خودشان واگذاشته شوند ممکن است برنامه‌های آموزشی مناسب مخصوصاً در حوزه مهارت‌های قابل

انتقال برای کارمندان خود تعبیه نکنند. آموزش و تربیت حرفه‌ای آغازین برای پر کردن این فاصله به وسیله فراهم‌سازی مهارت‌های مورد نیاز طراحی شده است. تحقیقات نشان می‌دهد که این می‌تواند منتج به بازخوردهای خوب اقتصادی از سرمایه‌گذاری‌های عمومی شود. کشورهای با سیستم آموزش و تربیت حرفه‌ای آغازین قدرتمند، مانند آلمان، در مواجهه با بیکاری جوانان نسبتاً موفق عمل کرده‌اند (نمودار ۱).

نمودار ۱. نسبت بین بیکاری جوانان با بزرگسالان



Source: OECD (2010a) OECD Stat Extracts Website, <http://stats.oecd.org/index.aspx>.



در بعضی از کشورها نوجوانان با سن پایین وارد برنامه‌های آموزش حرفه‌ای

می‌شوند؛ در سایر کشورها این را برای کاردانی می‌گذارند.

۶. اگر تربیت حرفه‌ای مؤلفه‌ای از یک سیستم تعلیم و تربیت برای جوانان است در چه مرحله‌ای باید معرفی شود؟

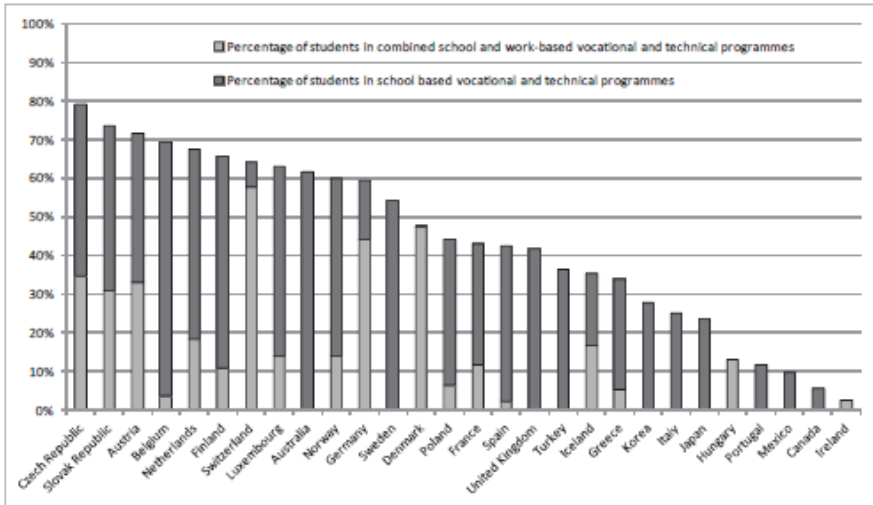
در اتریش هنرجویان شغل هدف خود را در سال پیش از کارآموزی، وقتی ۱۴ ساله هستند، انتخاب می‌کنند و در خیلی از کشورها ۱۴-۱۶ ساله‌ها با شغل هدفی که از قبل برگزیدند وارد برنامه‌های حرفه‌ای می‌شوند.

موافقین معتقدند که این باعث به کار گرفتن جوانانی می‌شود که در وظایف عملی خیلی ذهن آکادمیک ندارند و از انتقال آنها به دنیای کار حمایت می‌کند.

مخالفین به سختی‌هایی اشاره می‌کنند که بزرگسالان در انتخاب متفکرانه یک حرفه با آن روبرو می‌شوند و این که آموزش عملی در این مرحله می‌تواند مهارت‌های آکادمیک وسیع را، که آموزش مادام‌العمر را تسهیل می‌کند، از صحنه خارج کند.

نمودار ۲ تفاوت‌های این دو رویکرد را، با نسبت‌های متغیر گسترده از گروه دانش‌آموزان در برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای در سطح مدارس متوسطه، نشان می‌دهد. در سمت مخالف اتریش، در آمریکا گرچه خیلی از دانش‌آموزان بعضی از برنامه‌های حرفه‌ای را پیگیری می‌کنند، ولی آنها برنامه‌های چندان بزرگی نیستند و فقط برای توضیح و تفهیم انتخاب‌های حرفه‌ای طراحی شده‌اند و تخصص‌گرایی حرفه‌ای تنها در برنامه‌های بعد از متوسطه انجام می‌پذیرند، (اگر انجام پذیرند).

نمودار ۲. آموزش فنی و حرفه‌ای به‌عنوان بخشی از دوره بالاتر از دبیرستان



Source: OECD (2008), Education at a Glance 2008: OECD Indicators, Table C1.1, OECD, Paris.

توجه ۱ - این نمودارها خیلی از برنامه‌ها را در نظر نمی‌گیرند، برنامه‌هایی که شامل انتخاب‌ها و پودمان‌های حرفه‌ای و تکنیکی می‌شوند، ولی آنقدر وزن (معتبر) نیستند که توسط کشورها به‌عنوان آموزش حرفه‌ای و برنامه‌های تربیتی رده‌بندی بشوند. نمودارهای آمریکا و نیوزیلند در نظر گرفته نشده‌اند، چرا که در آمریکا، رویکرد متفاوتی به آموزش و تربیت حرفه‌ای در مدارس متوسطه وجود دارد (نمودار ۲).

توجه ۲ - در مجارستان، وزارت آموزش و پرورش سهم دانش‌آموزانی که در مدارس تربیت و تعلیم حرفه‌ای و آموزشگاه‌ها شرکت می‌کنند را در سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸، ۲۳ درصد ارزیابی کرده است.



در کنار مهارت‌های ضروری شغلی، هنرجویان در آموزش و تربیت حرفه‌ای

نیاز به شایستگی‌های وسیع‌تری برای حفظ توسعه حرفه‌ای دارند.

۷. در قرن بیست‌ویکم، کسانی که وارد بازار کار می‌شوند به مهارت‌های شغلی ضروری نیازمندند، اما همچنان نیازمند یکسری از شایستگی‌های شناختی و حرفه‌ای هستند که آنها را قادر به اداره کردن موقعیت‌های تغییر شغل و زمینه حرفه‌ای و حفظ ظرفیت یادگیریشان می‌کنند.

تقریباً اکثر کشورها گزارش‌های حاکی از تغییرپذیری و توسعه حرفه‌ای قابل توجه داده‌اند، لذا کسانی که برای یک شغل به صورت حرفه‌ای تعلیم دیده‌اند راه خود را به شغل‌های دیگر می‌یابند. بنابراین در برنامه‌های شامل تخصص‌گرایی آغازین (از ابتدا تخصص‌گرایی شروع می‌شود) علاوه بر شایستگی‌های خاص، باید به همان اندازه به مهارت‌های عمومی آکادمیک توجه شود تا بستر برای یادگیری مادام‌العمر، شهروندی مؤثر و یک حرفه موفق فراهم گردد.

نظر به اینکه محیط‌های کاری، محیط‌های محبوب یادگیری برای بسط خیلی از مهارت‌های نرم هستند، یادگیری در محیط کار نقش مهمی را در این جا ایفا می‌کند و ترکیب مدرسه و یادگیری در محیط کار یک متد مؤثر و قدرتمند برای آماده‌سازی جوانان برای مشاغل است. چنین رویکردهایی مانند سیستم دوگانه، وقتی که بازارهای کار بسیار قانونمندند، دارای ارزش خاصی هستند و در جابه‌جایی‌های اولیه آرام و امن به بازار کار، بسیار مؤثر ظاهر می‌شوند. همانطور که در گزارش OECD «شغل برای جوانان» برجسته شده است.

برنامه‌های متوسطه حرفه‌ای اغلب نیازمند این هستند که دانش‌آموزان را همانقدر

که برای مشاغل آماده می‌کنند برای تحصیل بعدی نیز آماده کنند.

۸. تاریخچه این آموزش‌ها نشان می‌دهد، خیلی از برنامه‌های حرفه‌ای وسیله‌ای برای رسیدن به تنها یک حرفه در نظر گرفته می‌شدند که فقط یک هدف شغلی داشتند، اما افزایش فرصت‌های آموزشی این امر را به چالش کشیده است. خیلی از جوانان از جمله دانش‌آموزان در برنامه‌های حرفه‌ای انتظار ورود به آموزش‌های عالی فنی و حرفه‌ای و دیگر آموزش‌های کاردانی را دارند. برای مثال یک‌چهارم دانش‌آموزان متوسطه دوم حرفه‌ای هلندی آموزش عالی آموزش و تربیت حرفه‌ای را ادامه می‌دهند و این امر برای سه‌چهارم دانش‌آموزان کراهی نیز صادق است. برای بازتاب این واقعیت، چنین برنامه‌هایی باید به‌گونه‌ای طراحی بشوند که نه تنها دانش‌آموزان را برای بازار کار، بلکه برای ورود به آموزش عالی فنی و حرفه‌ای آماده کنند. این به معنای مطمئن شدن از توجه کافی به مهارت‌های عمومی آکادمیک به اندازه مهارت‌های عملی، در این برنامه‌هاست.

مهارت‌های حساب کردن و خواندن و نوشتن، نیازمند سنجش سیستماتیک

هستند تا برای کسانی که به آنها نیاز دارند پشتیبانی فراهم کنند.

۹. در میان مهارت‌های عمومی آکادمیک، حساب کردن و خواندن و نوشتن در بازار کار دارای اهمیت روزافزونی هستند و ضعف در این زمینه‌ها بین کسانی که در برنامه‌های حرفه‌ای هستند بسیار شایع است. چنین مشکل‌هایی (معمولاً ناشناخته می‌مانند) احتمال ترک تحصیل را افزایش داده و دورنمای پیشرفت شغلی آینده و یادگیری مادام‌العمر را کاهش می‌دهند. برنامه‌های حرفه‌ای باید وزن کافی به این مهارت‌ها بدهند و دانش‌آموزان باید به‌صورت سیستماتیک در مرحله ورود به



برنامه‌های حرفه‌ای ارزیابی شوند تا از حداقل مهارت‌های پایه‌ای اطمینان حاصل شده و کسانی که به حمایت‌های هدفمند نیاز دارند شناسایی شوند.

برآورده کردن نیازهای بازار کار

برنامه‌های حرفه‌ای باید ترکیبی متوازن بین اولویت‌های دانش‌آموزان و تقاضای کارفرما باشد.

۱۰. همه سیستم‌های آموزش و تربیت حرفه‌ای به مکانیسم‌هایی نیاز دارند تا اطمینان حاصل کنند که تعداد نفراتی که برای مشاغل مختلف تربیت شده‌اند با نیازهای بازار کار همخوانی دارند، بنابراین برای مثال، تعداد کارآموزان لوله‌کشی با تقاضا برای لوله‌کشی همخوانی داشته باشند. اولویت‌های (ترجیحات) دانش‌آموزان اصل است، اما چنین اولویت‌هایی که توسط خودشان اظهار می‌شود معمولاً کافی نیست، در حالی که نیازهای کارفرماها مهم است، اما همیشه آسان نیست که مشخص کنیم این نیازها چیست، یا چگونه می‌توان آنها را تکامل داد. آماده‌سازی نیروی کار که از منابع عمومی تأمین می‌شوند نیازمند این است که با توازن بین اولویت (ترجیح) دانش‌آموزان و انتظار کارفرما، علاقه کل جامعه را تأمین کند.

به‌صورت ایدئال، برنامه‌های حرفه‌ای باید جزئی از تربیت در محیط کاری را شامل شوند چرا که جدا از منافع برای یادگیری، تمایل کارفرماها برای فراهم‌سازی آموزش در محیط کار، بازتاب‌دهنده مطالبه نیاز بازار کار برای مهارت‌های به‌دست آمده در برنامه آموزش و تربیت حرفه‌ای می‌باشد.

اما این توازن همچنین به بودجه تأمین شده توسط دولت، دانش‌آموز و

کارفرماها بستگی دارد.

۱۱. آماده‌سازی شغلی از طریق آموزش باید بازتاب ترجیحات شغلی آگاهانه دانش‌آموزان باشد، مخصوصاً اگر دانش‌آموزان اکثر هزینه‌ها را متحمل شده باشند. در طرف مقابل، جایی که کارفرماها بودجه آموزش را فراهم می‌کنند، طبیعتاً انتظار دارند مشخص کنند چه چیزی باید یاد داده شود. مابین این دو گرایش افراطی، مدل‌های ترکیبی حمایتی بسیاری از آموزش توسط دولت، دانش‌آموزان و کارفرماها وجود دارد.

راهنمایی حرفه‌ای

هر چقدر تنوع حرفه‌ها زیاد می‌شود، راهنمایی حرفه‌ای، هم مهم‌تر و هم چالشی‌تر می‌شود.

۱۲. بسیاری از حرفه‌های پیچیده با انتخاب‌های بیشتر برای کار و یادگیری، فرصت‌های جدیدی را برای بسیاری از مردم به وجود می‌آورد. اما این امر همچنین تصمیم‌گیری را سخت‌تر می‌کند چرا که جوانان با زنجیره‌ای از انتخاب‌های پیچیده در مورد یادگیری مادام‌العمر و کار روبرو هستند. کمک به جوانان برای تصمیم‌گیری وظیفه راهنمایی حرفه‌ای است.

اما راهنمایی حرفه‌ای در خیلی از کشورهای عضو OECD ضعف‌های جدی

دارد.

۱۳. در خیلی از کشورها راهنمایی حرفه‌ای با چالش‌های بسیاری روبرو است: اغلب کسانی که پیشنهاد راهنمایی می‌دهند با مسائل بازار کار آشنایی کافی ندارند و با



راهنمایی حرفه‌ای گاهی نقش مکمل را در مشاوره روانشناختی ایفا می‌کند؛ سرویس‌های راهنمایی ممکن است، با منابع محدود، کم و واکنشی، تکه‌تکه و بریده‌بریده باشند، بنابراین کسانی که نیاز به راهنمایی دارند ممکن است در دستیابی به آن ناکام بمانند. مشاوران گاهی بی‌غرض نیستند چرا که کارکنان راهنمایی ریشه در مؤسسات آموزشی دارند (با سوگیری حرفه‌ای آکادمیک)؛ اطلاعات مرتبط با بازار کار همیشه در دسترس یا سهل‌الضحم و قابل فهم نیست و شواهد بر این که «چه کاری انجام می‌شود» در راهنمایی حرفه‌ای بسیار ضعیف است.

راهنمایی حرفه‌ای نیازمند این است که منسجم، با منابع کافی و غنی، کنشگر،

بی‌غرض و واقعی و با پشتیبانی عالی توسط شواهد باشد.

۱۴. جایی که چنین ضعف‌هایی وجود دارد نیاز جدی به اصلاحات است که نیازمند یک حرفه تخصصی منسجم با کارمندانی مجرب در مسائل بازار کار و جدا از مشاوره‌های روانشناختی می‌باشد. راهنمایی حرفه‌ای باید منابع کافی برای تحقق بخشیدن به راهنمایی رودررو، پویا، پیشگرا، در مقاطع کلیدی تصمیم‌گیری برای حرفه آینده در اختیار داشته باشد. کارکنان راهنمایی به‌جای اینکه عضوی از مؤسسات آموزشی باشند نیاز به یک جایگاه مستقل دارند تا بی‌غرضی خود را به تأیید برسانند و باید به گستره وسیعی از اطلاعات و مطالب مربوط، مبتنی بر اینترنت دسترسی داشته باشند. ارتباطات قوی بین مدارس و کارفرماهای محلی یکی از راه‌های مهم برای معرفی جوانان به دنیای کار است. تمام این نیازها باید توسط یک پایگاه اطلاعاتی قوی‌تر ارزیابی و تأیید شود (پشتیبانی شود).

معلمان و مربیان کارآمد

مربیان و معلمان آموزش و تربیت حرفه‌ای نیازمند آشنایی با محل‌های مدرن کار هستند.

۱۵. فاکتور کلیدی در یک برنامه حرفه‌ای معلمان خوب است. با بالا رفتن سن نیروی کار فعلی و پیر شدن آن، خیلی از کشورها با کمبود مربی و معلم در مؤسسات آموزش و تربیت حرفه‌ای روبرو می‌شوند. بعضی از مربیان و معلمین نیز تجربه محیط کاری اخیر را ندارند. مسیرهای منعطف استخدامی، به‌منظور تسهیل ورود کسانی که مهارت‌های صنعتی دارند به نیروی کار مؤسسات آموزش و تربیت حرفه‌ای باید مورد طراحی قرار گرفته و ترویج گردد. کار پاره‌وقت صنعت - آموزش باید ترویج داده شود، بدین‌گونه می‌توان دانش فنی مرتبط با صنعت مربیان را حفظ کرد.

در صنعت کسانی که کارآموزان را تحت نظر دارند نیاز به آمادگی برای این وظیفه دارند.

۱۶. در صنعت، یک مشکل دیگر بروز می‌کند. مربیان و سرپرستان کارآموزان و تربیت‌شوندگان در شرکت‌ها، اغلب هیچ برنامه آماده‌سازی یا آموزشی ندارند، با این که شواهد پژوهشی نشان می‌دهد چنین آماده‌سازی‌هایی نتایج مثبتی دارند. تعلیم و تربیت مناسب و دیگر آماده‌سازی‌ها برای سرپرستان تربیت‌شوندگان، کارآموزان و دستیاران در محیط کار باید ارائه گردد تا سطح آماده‌سازی با طبیعت یادگیری در محیط کار وفق داده شود.



یادگیری در محیط کار

همه سیستم‌های آموزش و تربیت حرفه‌ای نیاز به استفاده حداکثری از یادگیری در محیط کار دارند.

۱۷. بیشتر برنامه‌های حرفه‌ای، برخی از اجزای یادگیری در محیط کار را شامل می‌شوند، گرچه گاهی این مؤلفه کوچک یا موجود نیست (مثل کارآموزی که از چند هزار ساعت آموزش چند ساعت کارآموزی بسیار ناچیز است). محیط‌های کاری فضای یادگیری قوی را برای مهارت‌های پیچیده روی تجهیزات مدرن، مهارت‌های خاص توسط تجربه واقعی در کار تیمی، ارتباط و مذاکره، توسعه داده و فراهم می‌کنند، در همان حالی که آموزش‌گیرندگان با بنگاه تربیت‌کننده همکاری می‌کنند، تربیت در محیط کار با فراهم کردن شناخت دوجانبه کارفرماها و کارکنان بالقوه جذب نیرو را تسهیل می‌کند. فرصت‌های یادگیری در محیط کار همچنین یک راه مستقیم برای بیان نیازهای کارفرماست، کارفرماها مشتاق هستند که برای کمبود مهارت نیروی کار در این فرصت‌ها پیشنهاد بدهند.

کارآموزی (یکی از رایج‌ترین شیوه‌های فراگیری در محیط کار) می‌تواند به صورت خارق‌العاده‌ای در تربیت حرفه‌ای مؤثر باشد.

به‌طور کلی، این بحث‌ها به قدری قوی هستند که همه نظام‌های آموزش فنی و حرفه‌ای، به استفاده ضروری از یادگیری در محیط کار کمک می‌کنند.

کنترل کیفیت فراگیری در محیط کار ضروری است.

۱۸. فواید فراگیری در محیط کار بستگی به کیفیت آن دارد. در نبود کنترل کیفیت، فرصت‌های فراگیری در محیط کار برای جوانان می‌تواند به کار دون و پست تنزل

کرده، یا شامل مهارت‌های کم و بنگاه‌محور شود. کنترل کیفیت باید شامل تنظیم قرارداد برای حفظ حقوق و الزام‌های کارآموز و کارفرما، بازرسی‌ها، خودارزیابی و سنجش مؤثر مهارت‌های به‌دست آمده به‌واسطه آموزش شود.

گسترده‌ای از مشوق‌ها کمک می‌کنند تا تعهد دانش‌آموزان و صنعت به یادگیری

در محیط کار پایدار بماند.

۱۹. یادگیری در محیط کار همچنین نیازمند علاقه و حمایت کافی از طرف صنعت و دانش‌آموزان است. این به معنای مشوق‌های کافی برای کارفرمایان به‌منظور پیشنهاد محیط‌های یادگیری است. کشورها مدل‌های زیادی از مشوق‌های اقتصادی شامل یارانه‌های مستقیم، معافیت‌های ویژه مالیاتی و توافق‌هایی برای پخش کردن آموزش بین گروهی از بنگاه‌های اقتصادی را استفاده می‌کنند. به‌خاطر عواقب بحران‌های اقتصادی و کسادی مالی در خیلی از کشورهای عضو OECD حمایت‌های ویژه عظیم گاهی ضروری و واجب است.

ابزارهای حمایتی از سیستم آموزش و تربیت حرفه‌ای

سیستم‌های آموزش و تربیت حرفه‌ای باید ذینفعان کلیدی و اطلاعات را به کار گرفته تا سیستم را شفاف کنند.

۲۰. سیستم‌های آموزش و تربیت حرفه‌ای در انزوا وجود ندارند؛ مؤثر بودن آنها وابسته به پیوند آنها به بازار کار است. این دو مدل ایده حمایتی را به‌دست می‌دهد. اولاً ما نیاز به ابزار برای وارد کردن ذینفعان در آموزش و تربیت حرفه‌ای داریم، بنابراین کارفرماها می‌توانند مهارت‌های مورد نیاز را شرح داده و با دیگر ذینفعان در



مورد فراهم‌سازی این مهارت‌ها به مذاکره بنشینند.

ثانیاً ما به ابزارهای اطلاعاتی نیاز داریم تا ارزش برنامه‌های حرفه‌ای، مطالعه، شناخته و تحلیل شود. این ابزارهای اطلاعاتی شامل چارچوب صلاحیت حرفه‌ای، سیستم‌های سنجش، اطلاعات و تحقیق می‌شود.

برای درگیر کردن کارفرماها، اتحادیه‌ها و اولویت‌های دانش‌آموزان به آموزش و تربیت حرفه‌ای، به مؤسسات قدرتمند نیاز است.

۲۱. شرکت دادن کارفرماها و اتحادیه‌ها ضروری است تا مطمئن شویم که سازمان و محتوای برنامه‌های حرفه‌ای، نیاز کارفرماها، دانش‌آموزان و در واقع اقتصاد را برآورده می‌کند. معمولاً این به معنای مجموعه‌ای از مؤسسات بین بخشی (اتصال‌دهنده یا ارتباط‌دهنده) در سطح ملی، منطقه‌ای و بخشی است که به‌طور مشخص سیستم آموزش و تربیت حرفه‌ای را با کارفرماها در مسئولیت‌های روشن آنان برای مؤلفه‌های گوناگون در سیستم آموزش و تربیت حرفه‌ای درگیر می‌کند.

چارچوب‌های صلاحیت‌های حرفه‌ای می‌تواند برای سیستم‌های آموزش و تربیت حرفه‌ای مفید باشد، اما باید با اقدامات دیگر پیوند داشته باشد.

۲۲. خیلی از کشورها در حال حاضر در حال پیاده‌سازی چارچوب‌های صلاحیت‌های حرفه‌ای هستند یا اخیراً پیاده‌سازی کرده‌اند. در اصل، چنین چارچوب‌هایی می‌تواند سیستم‌های آموزش و تربیت حرفه‌ای را شفاف کند تا ارزش صلاحیت‌های حرفه‌ای در سطوح مختلف توسط دانش‌آموزان، سرمایه‌گذاران و کارفرماها واضح‌تر شناخته شوند. چارچوب‌های قوی باید، در اصل، یادگیری مادام‌العمر را تسهیل کنند و دسترسی به آموزش عالی را بهبود ببخشند. اما آنها نیازمند این هستند که توسط یک

متدولوژی قوی تأیید شوند، صلاحیت‌های حرفه‌ای به سطوح مختلف اختصاص یابند، توسط سرمایه‌گذاران کلیدی حمایت شوند، توسط مدارک مکمل پشتیبانی شوند تا سیستم آموزش و تربیت حرفه‌ای را یکپارچه کرده و گذر در سیستم آموزشی را بهبود ببخشند. در این صورت امکان دارد به اجرا درآوردن چارچوب صلاحیت حرفه‌ای به‌عنوان بخشی از یک رویکرد وسیع‌تر به کیفیت و انسجام، در بخش آموزش و تربیت حرفه‌ای دیده شود.

سنجش استاندارد شده برای صلاحیت‌های آموزش و تربیت حرفه‌ای، انسجام در استانداردها را به‌دنبال خواهد داشت.

۲۳. سنجش مهارت‌های آکادمیک پایه در مدارس و استفاده از چنین سنجش‌هایی برای ارزشیابی دانش‌آموزان و این که چگونه آنها آموزش داده شده‌اند، در حال حاضر موضوع بحث‌های پرتنش و فشرده است. سنجش مهارت‌های خاص حرفه‌ای مورد توجه کمتری قرار داشته‌اند، اما موضوع همچنان پا برجاست. یک سنجش ملی استاندارد شده برای صلاحیت‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌تواند به اطمینان از انسجام در ترکیب مهارت‌های کسب شده و سطح مهارت‌های مورد نیاز، فراهم‌سازی فرصت به‌دست آوردن شایستگی‌ها به روش‌های گوناگون، ترویج و تشویق برای کارآیی و نوآوری در کسب مهارت‌ها و ارائه بنیانی شفاف در تشخیص یادگیری‌های قبلی کمک کند.

داده‌های بهتر، به‌ویژه در مورد پیامدهای بازار کار آموزش و تربیت حرفه‌ای، حیاتی است.

۲۴. اطلاعات از ارتباط بین آموزش و تربیت حرفه‌ای و بازار کار پشتیبانی می‌کند.



اجازه می‌دهد که دانش‌آموزان راه خود به بازار کار را از طریق یک برنامه آموزشی پیدا کنند، کارفرماها بفهمند که استخدامی‌های بالقوه چه چیزی را در یک برنامه آموخته‌اند و سیاستگذاران و مؤسسات آموزشی ببینند که آیا فارغ‌التحصیلان شغل مربوط را به‌دست آورده‌اند یا خیر؟ این اطلاعات، می‌تواند از طریق یکپارچه کردن نظرسنجی‌ها از کسانی که در حال ترک آموزش و تربیت حرفه‌ای هستند یا با پیگیری گروه‌های افراد همسال (همسالان) از آموزش و تربیت حرفه‌ای تا استخدام برای نقشه سوابق شغلی به‌دست آید. نیاز است این داده‌ها به‌وسیله ظرفیت‌های مراکز آموزشی برای مثال مراکز ملی تحقیق آموزش و تربیت حرفه‌ای جهت تحلیل و استفاده از آنها پشتیبانی شود.

سیاست‌های پیشنهادی

ارائه ترکیب صحیحی از مهارت‌ها برای بازار کار

۱. برای برنامه‌های آموزش حرفه‌ای فراتر از دوره متوسطه، هزینه‌ها بین دولت، کارفرماها و دانش‌آموزان با توجه به منافع کسب شده برای آنان تسهیم شود.
۲. ترکیبی از مکان‌های آموزشی که نیاز کارفرماها و اولویت‌های (ترجیحات) دانش‌آموزان را بازتاب دهد برای آموزش و تربیت حرفه‌ای فراهم گردد. برای دستیابی به چنین امری ارائه مهارت‌آموزی در محیط کار و برنامه‌ریزی و سازوکارهای تشویق‌کننده مورد نیاز است.
۳. درگیر کردن اتحادیه‌ها و کارفرماها در برنامه‌ریزی درسی و حصول اطمینان از این که مهارت‌های تدریس شده با نیازمندی‌های محیط کار مدرن تطابق داشته باشد.

۴. از طریق نظام‌های آموزش و تربیت حرفه‌ای به جوانان، مهارت‌های عمومی قابل انتقال، جهت پشتیبانی از یادگیری مادام‌العمر و تحرک‌پذیری به‌همراه مهارت‌های خاص حرفه‌ای جهت نیازهای ضروری کارفرمایان ارائه می‌شود.

۵. مطمئن شوید که همه دانش‌آموزان در برنامه‌های حرفه‌ای مهارت‌های کافی خواندن و نوشتن و حساب کردن را دارند تا از یادگیری مادام‌العمر و توسعه حرفه‌ای حمایت کنند. هر وضعی در این حوزه را شناخته و برطرف کنید.

اصلاح راهنمایی شغلی جهت توصیه مؤثر برای همه

۱. ایجاد یک حرفه راهنمایی شغلی منسجم، مستقل از مشاوره‌های روانشناسی و با اطلاعات کافی از داده‌های بازار کار.

۲. فراهم کردن منابع کافی برای راهنمایی و ارائه فعالانه آن.

۳. فراهم کردن پایگاهی مستقل برای حمایت از راهنمایی شغلی واقعی.

۴. فراهم کردن منابع خوب اطلاعاتی در مورد حرف و دوره‌های تحصیلی آموزشی.

۵. ایجاد چارچوب جامعی از راهنمایی حرفه‌ای با همکاری و مشارکت کارفرماها.

۶. اطمینان از ارزیابی درست اقدامات (نوآوری‌ها) راهنمایی حرفه‌ای.

مطمئن شوید که معلمان و مربیان روش‌های آموزشی و پرورشی را با تجارب

محیط کار توأم می‌کنند.

۱. برای مؤسسات آموزش و تربیت حرفه‌ای معلم و مربیان کافی استخدام کنید و مطمئن شوید این نیروی کار با نیازهای صنعت مدرن به‌خوبی آشنایی دارد. برای این امر:

- تشویق به کار پاره‌وقت کنید، مربیان فعال در مؤسسات آموزش و تربیت



حرفه‌ای قسمتی از زمان خود را در صنعت بگذرانند.

- رواج دادن راه‌های مختلف و انعطاف‌پذیری در استخدام، تسهیل برای ورود کسانی که مهارت‌های صنعتی دارند به مؤسسات آموزش و تربیت حرفه‌ای از طریق آماده‌سازی مؤثر آنان.

۲. آماده‌سازی مناسب آموزشی برای مربیان (شامل سرپرستان) کارآموزان، هنرجویان، کارآموزان در محیط کاری، سازگاری سطح آماده‌سازی با ماهیت یادگیری محیط کاری که باید ارائه شود.

۳. رواج دادن تبادل تجارب بین مؤسسات آموزش و تربیت حرفه‌ای و صنعت، که باعث می‌شود معلمین و مربیان وقتشان را در صنعت صرف کنند تا دانش آنها به‌روز شود و مربیان حرفه‌ای در بنگاه‌ها قسمتی از وقت خود را در مؤسسات آموزش و تربیت حرفه‌ای صرف کرده تا مهارت‌های تربیتی و آموزشی و پرورشی خود را افزایش دهند.

استفاده کامل از یادگیری در محیط کار

۱. استفاده اساسی از آموزش در محیط کار در آموزش و تربیت حرفه‌ای آغازین.

۲. مطمئن شوید که چارچوب تربیت در محیط کار، کارفرماها و دانش‌آموزان را به مشارکت ترغیب می‌کند.

۳. اطمینان از مهارت‌آموزی محیط کار با کیفیت به‌واسطه یک سیستم تضمین کیفیت مؤثر و ارائه چارچوب شفاف قرارداد برای کارآموزی.

۴. توازن آموزش در محیط کار با دیگر مکان‌های آموزشی (مثل کارگاه‌های آموزشی در مدارس) وقتی که دیگر محیط‌های یادگیری بهتر کار می‌کند یا زمانی که آموزش

در محیط کار مقدور نیست.

۵. ارائه پاسخ‌های مؤثر برای افول اقتصاد جاری (در حال حاضر)، جهت ادامه مهارت‌آموزی در محیط کار برای پاسخگویی به درخواست رو به افزایش برای آموزش و تربیت حرفه‌ای تمام‌وقت.

حمایت از سیستم آموزش و تربیت حرفه‌ای با استفاده از ابزارهایی جهت درگیر

کردن ذینفعان و به‌کارگیری اطلاعات برای ارتقای شفافیت در این نظام.

۱. شرکت دادن کارفرماها و اتحادیه‌ها در سیاست‌ها و ارائه آموزش و تربیت حرفه‌ای و همچنین ایجاد مکانیسم‌های مؤثر برای این هدف.

۲. برای توسعه و پیاده‌سازی چارچوب صلاحیت‌های حرفه‌ای به‌صورت نظام‌مند با اتحادیه‌های صنفی، کارفرماها و دیگر ذینفعان کلیدی ارتباط برقرار کنید. تضمین کیفیت را به‌وسیله سیستم آموزش و تربیت حرفه‌ای برای پشتیبانی از چارچوب صلاحیت‌های حرفه‌ای تقویت کنید.

۳. بهره‌گیری از چارچوب ارزیابی استاندارد شده ملی برای تضمین کیفیت و انسجام در بخش مهارت‌آموزی.

۴. تقویت داده‌هایی در مورد پیامدهای بازار کار آموزش و تربیت حرفه‌ای و ارائه ظرفیت‌های مراکز آموزشی برای تحلیل و انتشار این داده‌ها.



نتیجه‌گیری

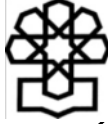
رشد شاخص‌های آموزشی خصوصاً در حیطه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به تأیید سازمان‌های بین‌المللی، به توسعه و رشد اقتصادی و در نتیجه افزایش GDP (سرانه تولید ناخالص داخلی) منجر می‌گردد. در کشور ما در چند دهه اخیر شاهد رشد شاخص‌های کمی آموزشی بوده‌ایم که البته به نظر نمی‌رسد به افزایش سرانه تولید ناخالص داخلی منجر شده باشد.

توجه به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و استفاده از تجربیات سایر کشورها خصوصاً کشورهایی که در یک یا دو دهه اخیر به رشد و توسعه اقتصادی نایل شده‌اند می‌تواند در این زمینه نظام آموزشی کشور را یاری نماید. برای دستیابی به این مهم نیاز است نظام آموزش فنی و حرفه‌ای در کشور اصلاح شود. بهره‌گیری از داده‌های بین‌المللی و بومی‌سازی آنها از گام‌های مهم در این زمینه است.

یادگیری برای مشاغل به کیفی‌سازی آموزش، کاهش نرخ بیکاری، کاهش ضایعات تولید، افزایش نیمه عمر محصولات، رشد صادرات، افزایش رضایتمندی روانی و تقویت امنیت در کشور کمک می‌کند. اسناد بین‌المللی از جمله یادگیری برای مشاغل که از اسناد OECD است به ما در دستیابی به موارد فوق‌الذکر کمک می‌کند.

منابع و مآخذ

1. Learning for Jobs Synthesis Report of the OECD Review of Vocational Education and Training OECD 2010.
2. www.oecd.org/edu/learningforjobs.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۳۷۸

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: یادگیری برای مشاغل

نام دفتر: مطالعات اجتماعی (گروه فنی و حرفه‌ای)

تهیه و تدوین‌کنندگان: محبوبه محمدعلی، مهدی اسمعیلی

ناظر علمی: علی اخوان بهبهانی

همکاران: ابراهیم آزاد، عرفان آزاد

متقاضی: معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۹/۲۵